

# روشن فکری

## حوزوی؛ تأملی دوباره

### اشاره

نوآوری فکری و دانشی و پاسخ‌گویی به سؤال‌های زمانه در حوزه‌های علمیه کمتر رایج بوده است. از این رو حرکت در مسیری که بتواند پاسخ‌گوی مسائل فکری باشد می‌تواند به نوعی روشن فکری تلقی شود. روشن فکری حوزوی به این معناست که حوزه علمیه در طرح مباحث فکری و ارائه راه‌حل برای معضلات اجتماعی نقش پیشرو و مؤثرتری داشته باشد. برای مثال، حوزه علمیه در فلسفه و فلسفه سیاسی، کمتر به بحث‌های جدید توجه داشته است. گذشته از دلایل بی‌توجهی حوزه به این دست مسائل، نباید از نظر دور داشت که بعد از ملاصدرا هیچ دستگاه فلسفی جدیدی تولید نشده است و این مکتب فکری، امتداد اجتماعی و سیاسی هم نیافته است. شریف لک‌زایی معتقد است پرداختن برخی پژوهش‌گران به بحث امتداد اجتماعی و سیاسی دستگاه فلسفی صدرایی را می‌توان روشن‌فکرانه دانست. البته وی عقیده دارد این کار بیشتر با خاستگاه فکری حوزوی باید انجام شود که از همین جامعه برخاسته است و ناظر به مسائل فرهنگی این جامعه است.



شریف لک‌زایی\*

نسبت حوزه و روشن فکری باید ایجابی باشد، نه سلبی.

منظور از ایجابی به معنای تعاملی و انتقادی است و تعاملی به این معناست که معارفی باید مبادله شود و درعین حال این مبادله با نگاه انتقادی همراه باشد. در واقع پذیرش مطلق و رد و انکار مطلق مباحث و موضوعات و پرسش‌ها نباید صورت گیرد بلکه دادوستد فکری و فرهنگی و دانشی باید شکل گیرد که با نگاه انتقادی همراه است. رصد و فهم مسائل و موضوعات مرتبط یک سوی ماجراست، اما ارائه پاسخ‌های نو به نیازهای فکری جامعه وجه دیگر است. این‌ها همه باید اتفاق بیفتد، در واقع به جز مباحث فکری که به حد لازمی از غنای خود باید برسد، برخی مسائل عینی و جاری و روزمره جامعه پاسخ‌های شفاف‌ی باید دریافت کند که بتواند زیست اجتماعی ما را به پیش ببرد و در زندگی ما تأثیرگذار باشد.

### ● نقش سیره امام صدر در تبیین نسبت روشن فکری و حوزه

در برخورد با پدیده‌های مختلف از چند مواجهه می‌توان سخن گفت: پذیرش و تسلیم نخستین مواجهه با پدیده‌ها و پرسش‌ها و نیازهاست؛ این که حوزه و حوزویان تسلیم نگاهی بیرونی شوند و همه داشته‌های خود را فراموش کنند و به تقلید و پیروی از داشته‌ها و آورده‌های دیگران بپردازند؛ مواجهه دوم این است که در مواجهه با پدیده‌ها و نیازها و پرسش‌ها آنها را نپذیرند ولی به جای مقابله

و مقاومت از مقابل آن بگریزند و به تعبیر مثبت هجرت و به تعبیر منفی فرار کنند؛ سوم این که مواجهه با پدیده‌ها و پرسش‌ها با مقاومت همراه شود اما درعین حال این مقاومت فاقد هرگونه برنامه‌ریزی و فعالیت پرثمر باشد. عموم این نوع مواجهه‌ها با شکست مواجه می‌شود و بیشتر حالت شعاری به خود می‌گیرد و از عمق عمل بی‌بهره است. آخرین نوع مواجهه مورد نظر امام موسی صدر این است که به گونه‌ای از تعامل و مقاومت آگاهانه و فعالانه اقدام شود و نگاه روبه‌جلو حاکم باشد و بتواند مسیر جدیدی را در حیات و زیست اجتماعی انسان ایجاد نماید. این نگاه تقریباً معادل آن مطلبی است که در بالا هم اشاره شد که تعامل انتقادی مطلوب‌ترین وجه است. به نظر می‌رسد امام موسی صدر نیز این گونه عمل کرده است؛ نه رد و انکار مطلق درباره نیازها و مسائل و در مواجهه با پدیده‌ها داشته است، نه پذیرش مطلق و مقلدانه یا حتی مقابله کور و بی‌برنامه و شعاری بلکه ایشان با درایت با مسائل مختلف مواجهه داشته و بر اساس نگاه دینی خود و باحوصله و تدبیر و با زبان جامعه به ارائه پاسخ و مواجهه واقع‌بینانه مبادرت کرده است. جالب این که آیه‌الله جوادی آملی ضمن تأیید این نگاه امام موسی صدر بر روشنی اندیشه صدر تأکید می‌کند و می‌گوید ایشان در همان زمان روحانی روشنی بود. افزون بر ایشان همان موقع که هنوز به لبنان هجرت نکرده بود بر توجه به نیازهای

به گونه ای عمل می کرد که تا آن زمان کمتر سابقه داشت. این نگاه در حمایت از آن بستنی فروش مسیحی نمونه جالب توجهی است. در این واقعه ایشان ملاحظات معمول در حوزه و در میان عالمان را کنار می زند و در قامت یک عالم مسلمان شیعه به دفاع از حقیقت و مظلوم می پردازد.

### ● از روشن فکری حوزوی تا روشنفکری سکولار

روشن فکری حوزوی طبیعتاً از دل آموزه های دینی برخاسته و متکی و مبتنی و وفادار به آموزه های اصیل دینی است که دغدغه ارائه نظام مند و به روز آموزه های فکری و فرهنگی دینی را در کارنامه دارد. در روشن فکری حوزوی هرگاه متفکر به حقیقتی رسید آن را اخذ کرده و از هر آنچه قبل از آن اعتقاد داشته است بازمی گردد. از این رو در مباحث علمی نیز در پی حقیقت و ارائه حقیقت است. این معیار، می تواند بسیار مورد توجه قرار گیرد. این معیار در کتاب کشف اسرار مورد توجه امام خمینی هم قرار گرفته است. برای مثال ایشان روشن فکر را کسی می داند که اگر به خطا رفته است با فهم و دریافت حقیقت، به آن بازگردد و حقیقت را بپذیرد. این معیار، چنان که در بالا ذکر شد، مورد توجه امام موسی صدر نیز بوده است. اما معیار دیگر، آزاداندیشی است که در تعبیر برخی از متفکران مانند آیه الله جوادی آملی هم به آن اشاره شده است. در این معنا متفکر بر اساس مباحث خود به نقاط عطفی می رسد و نظرش بر آن اساس معطوف می گردد. ملاصدرا از این

درواقع به جز مباحث فکری که به حد لازمی از غنای خود باید برسد، برخی مسائل عینی و جاری و روزمره جامعه پاسخ های شفافی باید دریافت کند که بتواند زیست اجتماعی ما را به پیش ببرد و در زندگی ما تأثیرگذار باشد.

اصلی جامعه از سوی حوزه تأکید می کند. از همین رو در کسوت طلبه ای جوان وارد دانشگاه تهران می شود و از رشته حقوق در اقتصاد فارغ التحصیل می گردد و بر اساس آن به بازخوانی دیدگاه های اقتصادی و نقد و ارزیابی دو دیدگاه اقتصادی کاپیتالیسم و سوسیالیسم می پردازد و نگاه دینی به اقتصاد را طرح می کند. به ویژه ایشان بر کار به عنوان جوهر انسان توجه خوبی داشته است.

نکته مهم تر درباره امام موسی صدر همراهی نظر و عمل ایشان است. ایشان همان گونه که می اندیشد، عمل می کند. شاید این ویژگی را در کمتر عالمی بتوان نشان داد. صدر در شمار اندک عالمان روشن اندیشی است که اندیشه خود را با عمل همراه کرده، چنان که دوره رهبری وی بر شیعیان لبنان بیانگر آن است. هم چنین امام صدر نخستین نشریه را به اتفاق برخی دوستانش در حوزه قم تأسیس کرد که فضای جدیدی در حوزه محسوب می شد. هم چنین در لبنان در تعامل با مذاهب و ادیان دیگر

قبیل بوده است. به تعبیر آیه الله جوادی آملی هنگامی که ملاصدرا متوجه شد که اصالت وجود صحیح است، آن را پذیرفت و به آن گرایش یافت و همه داشته‌های گذشته خود را از این منظر بازخوانی کرد. بنابراین می‌توان معیار حقیقت‌گرایی و آزاداندیشی را در این جا مورد توجه قرار داد. در واقع روشن فکر حوزوی فقط در پی نقادی و نگاه سلبی و رد و انکار نیست، بلکه بیش از هر چیز در پی تعامل انتقادی و حقیقت‌جویی در قالب و ظرف آزاداندیشی است و البته سودای قدرت هم در سر ندارد و به تغییرات تدریجی در جامعه توجه می‌کند و برای تغییرات فرهنگی مطلوب

در جامعه تلاش می‌ورزد؛ کاری

که می‌توان در سیره اجتماعی امام موسی صدر هم آن را ردیابی و رصد کرد. ایشان در دفاع از آزادی و برای بسط آزادی در جامعه معتقد است صیانت از آزادی، جز با آزادی ممکن نیست. از سوی دیگر، بر صداقت در اندیشه و عمل

نیز تأکید می‌کند و آن را از عوامل توسعه جوامع می‌داند.

#### ● دفتر تبلیغات و روشن‌فکری حوزوی

این تعبیر رهبر معظم انقلاب که فرمودند دفتر تبلیغات نماد روشن‌فکری حوزه است به گمانم به سبب فعالیت‌های علمی و فکری و فرهنگی است که بر اساس نیازهای جامعه شکل گرفته و همواره در مراکز علمی

این مجموعه مورد توجه بوده است. در واقع هر مقدار که نگاه به نیازهای فکری جامعه تعمیق یابد و بر اساس آن با بهره‌گیری از متون دینی به پاسخ‌گویی برآید می‌تواند مصداق چنین نگاهی باشد. این نگاه در همه عرصه‌های فکری و علمی و فرهنگی قابل توجه و قابل مشاهده است. برای مثال در حوزه مطالعاتی فلسفه سیاسی، کارهای ارزشمند روشمندی تولید شده است و در این زمینه مراکز این مجموعه پیشرو بوده و تلاش کرده است امتداد اجتماعی و سیاسی فلسفه اسلامی را تحقق بخشد. در سایر زمینه‌ها مانند فقه سیاسی و اخلاق سیاسی نیز همین نگاه و تلاش قابل مشاهده

است. افزون بر این جنبه که بیشتر فکری و دانشی است، در ارتباط با مردم و حضور در میان مردم هم این نهاد در صدر بوده است. در واقع ویژگی دیگر روشن‌فکری حوزوی همراهی و همگامی با مردم و در میان مردم و با مردم بودن است،

در حالی که روشن‌فکری دینی و روشن‌فکری سکولار فاقد این ویژگی است. به خاطر دارم که در خاطره‌ای جلال آل احمد از این که یک زائر در حرم امام رضا علیه السلام او را با یک فروشنده پالتو اشتباه گرفته و قیمت پالتو را از او سؤال می‌کند بسیار ابراز خوشحالی می‌کند که گویا فاصله‌اش با مردم کمتر شده است. به هر حال این ویژگی را می‌توان بسیار مهم تلقی کرد.

● شاید این ویژگی را در کمتر عالمی بتوان نشان داد. صدر در شمار اندک عالمان روشن‌اندیشی است که اندیشه خود را با عمل همراه کرده، چنان‌که دوره رهبری وی بر شیعیان لبنان بیانگر آن است.

زمین چیز دیگری نخواهد بود. بنابراین عنصر آزاداندیشی، عنصری بسیار مهم و ظرف تحقق روشن فکری است. اگر آزاداندیشی وجود نداشته باشد، انعقاد روشن فکری در هر نوع آن ممتنع است. این مطلب را استاد مطهری نیز در مباحث مربوط به صنف روحانیت تذکر داده است که نباید برخی امور موجبات عوام‌زدگی را در حوزه و روحانیت پدید آورد. باید الزامات روشن فکری تحقق یابد و این

تنها در عوام‌زدگی خلاصه نمی‌شود بلکه ممکن است در دولت‌زدگی هم ظهور و بروز یابد.

#### پی‌نوشت:

\* . دانشیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

نباید روشن فکری حوزوی تنها مسئله‌ای نخبگانی تلقی شود بلکه باید مسئله‌ای مردمی و عمومی به شمار آید.

#### نسبت روشن فکری حوزوی و آزاداندیشی

اساساً اگر چنین نگاه‌های جدید و تازه‌ای همراه با آزاداندیشی نباشد روشن فکری حوزوی نمی‌تواند منعقد شود. اساس بحث این است که این نگاه‌ها بر اساس رویکرد آزاداندیشانه شکل گیرد. نگاه آزاداندیشانه

قدرت تولید و استخراج مباحث جدید را خواهد داشت، در غیر این صورت جز دنباله‌روی و تقلید از دیگران، چه متفکران پیشین مسلمان و چه اندیشه‌های متفکران مغرب زمین و مشرق

در ارتباط با مردم و حضور در میان مردم هم این نهاد در صدر بوده است. در واقع ویژگی دیگر روشن فکری حوزوی همراهی و همگامی با مردم و در میان مردم و با مردم بودن است، در حالی که روشن فکری دینی و روشن فکری سکولار فاقد این ویژگی است.